

چرا آموزش و پرورش کردستان منحل شد؟

پیکار خلق

یکشنبه ۱۵ تیر ۵۹

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

۴۴

رژیم جمهوری اسلامی کوشش فراوانی بکار میبرد مبنی بر اینکه همه قدرت خود را بر کردستان قهرمان مسلط گرداند. در پی تحقق این هدف بود که ضمن کشتار سیمانه و قتل عام خلق کرد، اعدام انقلابیون و پیشمرگان کرد، سرکوب نهاد های انقلابی چون بنکه ها و غیره، به تصفیه انقلابیون در ادارات از جمله در سطح آموزش و پرورش دست یازید. ابتدا معلمان مبارز و مترقی را از کار برکنار ساخت. اما چون دید که افکار انقلابی باز هم توسط معلمان مبارز در درون دانش آموزان و نوجوانان رسوخ کرده و مقاومت را در مدارس سازمان میدهد، چاره را در این یافت که بطور کلی اداره آموزش و پرورش استان کردستان را منحل سازد. براساسی چرا رژیم از معلمان مترقی وحشت دارد؟ زیرا فرزندان را میپروراند که نمونه اش را در یکی از برنامه های تلویزیونی مشاهده کردیم. کودکی که خبرنگار تلویزیون جمهوری اسلامی را متاصل کرده و ضمن محکوم نمودن رژیم جمهوری اسلامی در برآه انداختن جنگ تحمیلی، به دفاع از مبارزه خلق کرد برخاست. از این نمونه ها بسیار میتوان در میان کودکان کرد یافت. اینان دست پرورده همان معلمانی هستند که در کلاسها درس مقاومت و مبارزه میدادند. همان معلمانی که امروز مورد خشم رژیم هستند. معلمانی که مدارس را با کمک همین فرزندان انقلابی به سنگر مبارزه و مقاومت تبدیل کرده بودند. چه آموزش و پرورش از دید دلاوران کرد جدا از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم نبود و باین جهت فرزندان کرد در نیمکتهای کلاس بجای تسلیم درس مقاومت میگرفتند. اینک این سنگر مقاومت مورد تهاجم ارتجاع قرار گرفته است تا شاید برهم رژیم کودکان انقلابی نه آموزش ببینند و نه پرورش انقلابی بیابند. انحلال آموزش و پرورش وحشت رژیم را حتی از این کودکان انقلابی که در جنبش مقاومت خلق کرد نقش بسزائی داشته اند، عیان میسازد.

کودگانی که همکلاسیهای شهید خود را فراموش نکرده و رهروان پدران و مادران مبارز خود بوده و حتی سلاح برکف گرفته و دوشادوش دیگر افراد خانواده خود به

بقیه در صفحه ۳

نرپی می سازد پزشک مبارزی که در راه خلق جان باخت

بار دیگر پنجه های خونین حاکمان جدید یک دکتر ضد امپریالیست و حامی زحمتکشان را بخون کشید. خبر اعدام دکتر نرپی سا در سحرگاه پنجشنبه ششم تیر ماه قلب زحمتکشان و حامیان آنان را بسختی فشرد. دادگاه "انقلاب" اسلامی اهواز این مبارز ضد امپریالیست را بجرم شرکت در درگیریهای دانشگاه اهواز، دستگیر و سپس بدون توجه به اعتراضات عظیمی که علیه دستگیری وی برپا شده بود اعدام نمود. بشهادت رسانیدن این پزشک ۳۶ ساله مبارز بار دیگر چهره قدرتمندان کونی را بخوبی نشان میدهد همه مردم سوسنگرد میدانند که نرپی سا مبارزی بود که بار رژیم شاه بارها دست و پنجه نرم کرده و در آگاه کردن خلق برای

بقیه در صفحه ۴

خمینی، بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی

پس از آنکه بنی صدر نوار صحبت های آیت را منتشر و پخش نمود، جو سیاسی حاکم تا حدودی بنفع بنی صدر تغییر نمود. حزب جمهوری اسلامی برای آنکه دچار شکست عظیم نگردد و با اصطلاح در صحنه سیاسی زنده بماند، قصد داشت آیت را قربانی نماید. در این تصورات کاسبکارانه بود که ناگهان آیت الله خمینی با وارد شدن در صحنه های مختلف سخنرانیها، بداد این حزب رسید. حزب جمهوری اسلامی مقدمات سخنرانی ها را فراهم آورد. جو سیاسی که بنفع بنی صدر در جریان بود، با این سخن رانیها بنفع حزب جمهوری اسلامی تغییر یافت. خمینی در سخنرانی اش در ۴ تیر در جمع اعضاء شورای اسلامی کارگران ایران و گروهی از پرسنل بهداری ارتش بار دیگر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را مورد حمله قرار داد. در این حمله خمینی بیش از همه مجاهدین خلق را مد نظر داشت تا از آن طریق بنی صدر را

بقیه در صفحه ۲

محاکمه

تقی شهرام

محکوم است

دادستانی "انقلاب" رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه ای محاکمه تقی شهرام را در عصر روز دوشنبه ۱۶/۴/۵۹ در دادگاه ویژه

بقیه در صفحه ۳

طباطبائی برای

امپریالیسم آلمان

دلالتی می کند

اخیراً صادق طباطبائی سرپرست نخست وزیری برای تجدید قرارداد های اقتصادی با امپریالیسم آلمان به آن کشور سفر نموده است. وی قبل از سفرش به خبرنگار روزنامه "انقلاب اسلامی" گفت "رژیم گذشته یکسری قرارداد با کارخاندها و... کشور آلمان منعقد کرده بود که پس از انقلاب این قراردادها از نظر ما لغو شده محسوب میشد و اکنون در

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خمینی، ...

کوبانده و حزب جمهوری اسلامی را تقویت نماید .

خواننده عزیز فراموش نکرده است که بنی صدر یکبار شعار تشکیل جبهه اسلامی را در ایران طرح نمود و در این جبهه نیز روشنفکران التقاطی را (منظور سازمان مجاهدین خلق بود) گنجانده بود . خمینی در این سخنرانی میگوید " در هر موقعی که یک اساسی میخواهد روی کار بیاید ، این جمعیت های مختلفی که الان در ایران هستند در همین موقع یک غائله ای درست میکنند . از اولی که بناسبود جمهوری اسلامی را شماها و ملت رأی به آن بدهید ، آنوقت یک غائله هائسی در اطراف درست کردند . این قدم که برداشته شد ، در هر مرحله ای که شما یک قدم پیش رفتید ، آنها هم در همانجا باز غائله درست کردند . در همان وقتی که مجلس شورای اسلامی تأسیس شد و مشغول بکار شدند ، باز غائله درست کردند . غائله درست میکنند و خودشان غائله درست میکنند و فریاد میزنند . خودشان دیگران را کتک میزنند ، باز خودشان فریاد میکنند اینهایی که در کار جمهوری اسلامی هستند و میخواهند به اسم جمهوری اسلامی به اسم اسلام ، به اسم خلق ، به اسم ملت کار بکنند ، اینها را ببینید چه میکنند . ممکن هی بگویم اسلام ، هی بگویم فدائی اسلام و فدائی خلق و هی میگویم مجاهد اسلام و مجاهد خلق و این حرفها را بزنم ، لکن وقتی که اعمال من را شما ملاحظه بکنید ، ببینید که از اول من مخالفت کردم در هر جاتفتنگ کشیدم و مخالفت کردم " (اطلاعات ۵ تیر ۵۹) خمینی با اینگونه جملات می خواست ضمن حمله به مجاهدین خلق در حقیقت آن جوی را بوجود آورد که نظرها و افکار را از سوی حزب جمهوری اسلامی به سوی مجاهدین متوجه گردانند و بنی صدر را که در این اواخر با این سازمان روابط نسبتاً خوبی برقرار ساخته بود ، در منگنه بگذارد . بنی صدر آنچنان در مضیقه قرار بگیرد که در رابطه با جبهه اسلامی مجبور

به عقب نشینی شده و در جواب به این سؤال که " . . . در حال حاضر انواع گرایشهای اسلامی مانند التقاطی و . . . در جامعه می باشد " نظر بنی صدر چیست ؟ میگوید " التقاطی خارج (جبهه) است و در مرز است و آنها که در داخل محدوده هستند بیایند و شرکت کنند " (انقلاب اسلامی - ۹ تیر ۵۹) عبارت دیگری - صدر با شعار جبهه اسلامی که مجاهدین خلق را بعنوان التقاطی در آن جای داده بود ، تجدید نظر کلی نموده و آنها را به خارج از جبهه پرتاب مینماید .

خمینی با حمله به مجاهدین خلق قادر شده بود که جوی را بوجود آورد که افکار توده های عظیم نا آگاه را که بدلیل نا آگاهیشان بیشتر جنبه زرق و برق داشتن مسئله سیاسی روز را می بینند و از درک محض یک مسئله سیاسی عاجزند و قادر نیستند که روابط مسائل مختلف را با هم دریابند ، از حزب جمهوری اسلامی دور نموده و به سوی مجاهدین خلق متوجه گردانند .

خمینی پس از درک این موضوع که جو برای حمله به بنی صدر آماده شده است ، در سخنرانی دیگری در ۵ تیر ماه ۵۹ در جمع خانواده های شهدای انقلاب با تردستی خاصی طوری وانمود میسازد که گویا دلش بحال معلولین و بازماندگان شهدای قیام خلق ایران میسوزد و کس دیگری نیست که اینچنین بحال آنان دل بسوزاند . وی میگوید " ما مرهون زحمتهای شما و عزیزان شما هستیم و همه ملت ایران مرهون این جوانهایی که با مشت گره کرده ملت را با اینجا رساندند و باز هم حاضرند . لکن من نمی دانم که آیا از این قشرهایی که امروز مخالفت با نهضت میکنند ، چه باید بپرسیم اینها شما را دیده اند " تا اینجا تعریف و تمجید از شهدای قیام خلق بود . یک تعریف خشک و خالی . چرا که در عرض بیش از یک سال و نیم که از عمر حاکمان جدید میگذرد هیچ قدم مثبتی برای این عزیزان انقلاب برداشته نشده است . آنها با اصطلاح خود بنیاد شهید ساختند که تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی است . در عمل اما این بنیاد جز کوشش برای تبدیل شدن به یکی از مراکز قدرت بکار دیگری نپرداخته است .

این راقعاً تأمیایستی خمینی بخوبی بداند . از این تعریف و تمجید ها که از خانواده شهدا میشود منظور دیگری هم در پیش است و آن همانا استفاده از معلولین و بازمانده های شهدا برای بده و بستانهای سیاسی میباشد . نباید فراموش کرد که تک تک وزرا با صلاح دید خمینی به وزارت منصوب گشته اند . خمینی اما درباره آنها میگوید " . . . اینها برای چه کسی با شما مقابله و معارضه میکنند و آیا این ادارات دولتی و وزارتخانه ها و همه گروههایی که به اداره این مملکت مشغول هستند ، جو شمارا چه میدهند که باز هم در عین حالیکه سفارش شده است که این کاغذ بازیهای مزخرف را و این کارهای ضد انقلابی را نکنید ، باز می شنویم که حتی برای شما کارشکمی - کنند اینهایی که در رأس هستند ، چطور توجه به این مسائل ندارند ؟ چطور آقای رئیس جمهور دخالت در این امور نمیکند ؟ چطور شورای انقلاب در این امور رسیدگی نمیکند ؟ چه شده است اینها را ؟ " خمینی در این بیانات بخصوص در همین نطق در ارتباط با شاهنشاهی بودن ادارات می خواهد مسئله ای را که بنی صدر با پخش نوار آیت پیش کشیده و قصد محکم کردن و قدرت یابی بی چون و چرای خویش را داشت ، به دست فراموشی بسپارد . درست پس از این نطقها می باشد که روزنامه جمهوری اسلامی در ریشتیانی از گفتار خمینی صدها ضجه سر میدهد که وای همه چیز از دست رفت و هیچ کاری انجام نشد . در صورتیکه توده های آگاه میدانند که قدرت اصلی و مهره های اصلی سیاست را اعضاء و هواداران همین حزب تشکیل میدهند و آنها هستند که در نا بودی مملکت سهم بسزائی دارند . بنی صدر پس از نطق خمینی احساس تنهایی میکند و فوراً به نزد او میشتابد . از صحبت های فی مابین تاکنون چیزی به خارج درز نکرده است . اما پس از این ملاقات بنی صدر گاه بعضی از اعمال کاریها را بگردن وزرا و یا بگردن بعضی از اعضاء شورای انقلاب می اندازد . دعوی بالائتیه آنچنان حاد شده است که هر کسی سعی میکند تقصیر را از گردن خود برداشته و به گرد دیگری

بیاندارد. این نشانه بارز اخلاق و منش سرمایه داری است. بنی صدر در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس میگوید "امروز با ایشان (منصور خمینی) صحبت کردم. اعضا شورای انقلاب و وزرا خدمت ایشان بوده اند و گفته اند که مقرر است رات دست و پاگیر است... اینک مقرر است دست و پاگیر است صحیح است، نمیشود گفت که هیچ نیست. اما چند ماهی پیش این مسئله طرح شد و قرار شد هر کدام از وزرا که فکر میکنند مقررات دست و پاگیر دارند، بنویسند که آن مقررات کدام است تا در قانون بودجه از میان برود و آنقدری که آنها گفته بودند تصویب شد و از بین رفت اما چون آسان است تقصیر را بگردن دیگران انداختن آنها غالباً کارهای خودشان را نمیکند و حوصله مطلع شدن ندارند و تقصیری اطلاعی خودشان و دستگاهها - ایشان را می اندازند بگردن دیگری" همان جا بنی صدر در همین گفتارش خود را بی - تقصیر نشان داده و وزرا و همکاران خود را به بی اطلاعی متهم میسازد. وی در ادامه مصاحبه اش در مورد وزرا میگوید "هیچکدام آنها منتخبین من نیستند و از زمانیکه آقای مهندس بازرگان استعفا داد است اینها وزیر شده اند و هستند و هیچوقت مسئولیت آنها را بعد نگرفته ام و نمیگیرم خوب هست مال خودشان بد هست مال خودشان". خواننده عزیز توجه دارد که زمانیکه بنی صدر فکر میکند که از کانال وزرا میخواهند شخصیت او را بکشند، منکر گردن گرفتن مسئولیت آنها میشود و خود را فاسخ از هر انتقادی میداند و میگوید خوب بودن و بد بودن آنها پای خودشان است! غافل از آنکه شخص بنی صدر از بد و ورود به ایران در "شورای انقلاب" عضویت داشته و در انتصاب وزرا سهم بوده است و سپس بعنوان رئیس "شورای انقلاب" سهم بیشتری را دارا بوده است. حال وی با زرنگی خاصی میخواهد دامن خود را از خرابکاریهای دیگران پاک نگذارد. اما منظور از "خود" - شان "چه کسانی است؟ آنچه مسلم است این میباشد که تنها چیزی که مطرح نیست

منافع خلقهای زحمتکش ایران است. خلق باید بعقیده آقایان سرمایه داری و بسازد تا آنان با خیال آسوده با هم بر سر قدرت یابی و رسیدن به منافع بیشتر جنگ و جدال بپردازند. خمینی، بنی صدر، بهشتی و... محکوم به این هستند که در راه سرمایه داری وابسته حرکت کنند، پیچ و خمهای این سیستم را بیمایند، بسا هم در پی نمودن این راکنجاری روند تا در انتها یک چیز پیروز سرآورد و آن هم تأمین منافع سرمایه داران و استثمارگران است. این جبر تاریخی و سرنوشت تاریخی این آقایان است، چه بخواهند و چه نخواهند. نباید فراموش کرد که سخنرانیهای خمینی هر بار با خود اختناق بیشتری را به همراه می آورد و پس از هر سخنرانی حمله به نیروهای انقلابی از سوی مترجمین اوج بیشتری میگیرد. این امر خود میبایستی هشدار باشد به آن نیروهایی که هنوز پل به خمینی بسته اند.

جرا آموزش و...

مقاومت در مقابل مزدوران جمهوری اسلامی دست زده اند. حال رژیم جمهوری اسلامی به عیث تلاش دارد از رزم انقلابی ایمن کودکان و پرورش روحیه مبارزه جوانان - آن - ها توسط معلمان انقلابی جلوگیری و به همین جهت در صدد است که در صورت باز گشائی مجدد مدارس، بجای معلمان قبلی افراد سربراه و مبلغان سیاست مترجمانه خود را به کلاسهای درس گسیل دارد تا به کودکان در درس تسلیم طلبی و اطاعت از مزدوران و متجاوزین بیاموزند. لذا هیئتی که از سوی وزارت آموزش و پرورش با اختیارا تام به کردستان رفته بودند ضمن انحلال آموزش و پرورش کردستان اعلام داشته اند که در صورت بازسازی آموزش و پرورش فقط از معلمان "متعهد" استفاده خواهد شد. تعهد از دیدگاه دست اندرکاران حکومتی چیست؟ آیا جزمین است که اعمال و رفتار این معلمان بایستی در خدمت رژیم و در تضاد با منافع خلق گردد باشد؟ بی جهت نیست که اینان در رابطه با استخدام معلمان گفته اند "سوابق قبلی آنان بحساب خواهد آمد" (اطلاعات دوشنبه ۹ تیر ۵۹) بنابراین معلمان که دارای سوابق مبارزاتی هستند

محاکمه تقی شهرام...

"انقلاب اسلامی اعلام نمود. رژیم بد لایل واهی تقی شهرام را دستگیر ساخت و بزدان انداخت و اکنون میخواهد با تشکیل دادگاهی فرمایشی به اعمال ضد انقلابی خود جنبه "قانونی" ببخشد. رژیم باید بداند که تقی شهرام هارامیتواند به بند کشیده و به اعدام محکوم کند، اما قادر نیست که جنبش ضد امپریالیستی و کمونیستی میهن ما را به بند بکشد. رژیم برای آنکه توده ها شاهد رسوائی وی نگردند حتی حاضر نشده است که شهرام را علنی محاکمه کند و وعده سرخرمن میدهد که بعد از تلویزیون بخش خواهد شد. ما زهم اکنون محاکمه ساختگی تقی شهرام این انقلابی ضد امپریالیست و کمونیست را محکوم نموده و دادگاه فرمایشی را فاقد هرگونه صلاحیت میدانیم.

بنا گرفته نمیشوند بخصوص اینکه برای معلوم کردن این سوابق فرمایشی نیز تهیه کرده اند و از کسانی که خواهان استخدام در آموزش و پرورش هستند، خواسته اند که تا تاریخ ۲۰ تیر ۵۹ فرمها را پر کرده و ارسال دارند. بدین ترتیب رژیم میخواهد ضمن تفتیش عقاید، معلمان را با اصطلاح دستچین کند و معلوم است که برگزیدگان هم کسانی هستند که درجه وابستگی شان به رژیم بیشتر باشد. این انحلال و بازسازی و استخدام مجدد فقط به فقط در خدمت این امر است که از ارتباط معلمان انقلابی با محصلین جلوگیری و نهایتاً رشد افکار آزاد یخواهانه و ضد امپریالیستی را که این معلمان در تسریع آن نقش مهمی ایفا میکنند سد کند و در مقابل با استفاده از مهرهای رژیم در نقش معلم، مدارس را به سکوت و انزوا و آرامش کشانید و دانش آموزان را به بره های سربراه تبدیل سازد. اما زهی خیال باطل!

کارمندان مبارز مخابرات هم چنان در بندند

مدتی است که تعدادی از کارمندان شرکت مخابرات، توسط دادستانی "انقلاب" دستگیر شده و ممنوع الملاقات میباشند. خانواده های این کارمندان که به نامهای اشتری، مدنی نژاد، کیائی جم، جمشیدی سراسی و پریچهر میباشند، دست به اعتراض به این عمل غیر قانونی زده اند.

کارمندان دستگیر شده که بودند و چه میخواستند و چرا به بند کشیده شدند؟ اینان نمایندگان منتخب کارمندان شرکت مخابرات بوده اند که سالیان سال بر علیه رژیم منقر پهلوی جنگیده و دارای سوابق مبارزاتی ضد امپریالیستی میباشند. دولت جمهور اسلامی این مبارزین را به جرم داشتن افکار ضد امپریالیستی و خواست پاکسازی محیط از ساواکیها و زدها و لغو قرارداد با امپریالیستهای گوناگون زندانی و ممنوع الملاقات کرده است. این است ماهیت ضد امپریالیستی!! رژیم حاکم

"انقلاب اداری"، وسیله ای برای تصفیه حساب

حزب جمهوری اسلامی بادیگران

۳- زمینه چینی برای سرکوب بیشتر نیروها کمونیستی و ایجاد جواختناق و خفقان.
۴- در بند و قطعنامه کوشش شد با باطل بر حذر داشتن مجلس از انتخاب کسانی برای نخست وزیری که "بار دیگر انقلاب اسلامی مارا دچار کودمی کنند"، با جناح بنی صدر تصفیه حساب کرده و مردم را به پشتیبانی از اینکه نخست وزیر باید از طریق این حزب که اکثریت وکلای مجلس را تشکیل میدهند، انتخاب شود برانگیزند.

دست اندر کاران حکومت جمهوری اسلامی که بیش از یکسال و نیم در مقابل خواست بحق توده هامینی بر پاکسازی و تصفیه ادارات و از بین بردن آثار و ظواهر رژیم شاهنشاهی مقاومت کرده و حتی گاه مسلحانه ایستادند و در مقابل، همه نهاد های ضد خلقی رژیم شاه را یکی پس از دیگری بازسازی کردند، اینکه که خود را برابر نارضایتی توده هامی بینند فریاد انقلاب اداری برآورده اند. در این میان نیز از معتقدات مذهبی توده ها برای تصفیه حسابهای دینی بهره میجویند. بهمین جهت در روز جمعه ۱۳ تیر ماه ۵۹ از سوی آیت الله منتظری اعلام راهپیمائی میگردد. در واقع برپاکننده این راهپیمائی حزب جمهوری اسلامی بود که ضمن توجه به قطع نامه ای که در پایان صادر شد اهداف بر گزاری آن روشن میگردد:

۱- طبق سیاست و برنامه حزب جمهوری اسلامی و سخنان فاش شده آیت، میبایستی آیت الله منتظری بزرگ جلوه داده میشد و در آن ها توده ها جامی افتاد.

۲- هدف این راهپیمائی نه پشتیبانی از انقلاب اداری بلکه تحریک توده ها بر علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و آماد کردن آن ها توده ها برای حمله گسترده و همه جانبه تری به این مبارزین بود.

برچیدن حکومت منقر پهلوی همیشه کوشا بود. سازمان امنیت شاه بالاخره او را دستگیر نموده و تحت شکنجه میگردد تا اینکه در اثر مبارزات توده ها بهنگام قیام بهمن ماه از زندان آزاد میگردد و برای کمک به مردم زحمتکش سوسنگرد به آتشهر باز میگردد. پس از قیام وی مشاهده میکند که همان عامل ساواک که وی را قبلاً دستگیر ساخته بود در کمیته شهر مشغول "خدمت" است. نریبی سا با کوششهای فراوان شرایطی را فراهم میکند که این ساواکی از کمیته اخراج میگردد. اما پس از مدتی بر اثر نفوذ برادران ساواکی که از روحانیون اهواز است، دکتر نریبی سا در محل کار خود در بیمارستان گلستان دستگیر شده و بالاخره این پزشک مبارز از سوی دادگاه "انقلاب" اسلامی اهواز بدلیل واهی به اعدام محکوم میگردد و حکم اعدام هم فوری به اجرا درمی آید. بدنبال این اعدام ناجوانمرده اعتصاب پزشکان و دستیاران بیمارستانهای سعدی و حافظ در شیراز و بیمارستانهای اهواز و تهران بوقوع پیوست. ما ضمن محکوم کردن اعمال فاشیستی دادگاههای رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با اعدام مبارزین این اعتصابات را بحق دانسته و از آنها پشتیبانی مینمائیم.

طباطباتی...

این سفر به بررسی این قرارداد هاسی - پردازم ("انقلاب اسلامی ۱۲ تیر ۵۹). فکر میکنید که این قرارداد هابنفع زحمتکش وطن ماست؟ خیر. زیرا که امپریالیسم آلمان نیز چون همه امپریالیستها سود بیشتر میطلبد و آنرا از نیرو کار ارزان کارگران و زحمتکشان و مواد خام در خایر وطن مانا مین خواهد کرد. آیا رژیم جمهوری اسلامی اینچنین میخواهد علیه امپریالیسم بجنگد؟ اگر این جنگیدن علیه امپریالیسم است که رژیم شاه خیلی بهتر از این آقایان تازه بدوران رسیده ضد امپریالیست بودند.

توضیح

به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم که از این شماره (۴۴) پیکار خلق بصورت هفتگی منتشر خواهد شد. محتوای نشریه را مسائل تحریک و مبارزات آید ثلوثیک تشکیل نخواهد داد، بلکه بیشتر جنبه خبری با تحلیلهای مختصر خواهد داشت. مسائل آید ثلوثیک و تحریک را در جزوه "تئوریک - سیاسی که هر ۲۰ روز یکبار منتشر خواهد شد، به چاپ خواهیم رسانید.

بزودی منتشر میشود

لنینیسم
کتاب درسی مدرسه خبی